

# نامه سرگشاده

## کمیته مرکزی حزب توده ایران

### الف - سیاست دولت در مورد نفت:

یکی از عوامل موثر در پیدایش بحران کنونی، سیاست غلطی است که دولت شادرو قبل مسئله نفت و طرز اجرای ملی کردن صنایع نفت پیش گرفته است این سیاست غلط تاکنون ضررهای بزرگی بنافع ملی ما وارد ساخته و اگر بطور قاطع و سریع تغییر نکنند ضررهای جبران ناپذیر دیگری بیار خواهد آورد. منافع ملت ایران اقتضا می کرد که قانون ملی کردن صنایع نفت بدون نقصی که بارها از طرف سازمانهای ضد استعماری تذکر داده شد طرح شود و تصویب برسد. عدم توجه باین تذکرات و بخصوص گذراندن ماده ۷ این قانون که صرفاً بسود استعمارگران و بزیان ملت ایران بود و جریان وقایع بعدی همه این پیش بینی محافل دموکراتیک را کاملاً تأیید نمود تا حدی که خود طرح کنندگان و تصویب کنندگان آن ماده بضمیمه بودن آن اعتراف نمودند، باعث شد که چندین ماه فرصت گران بها برای تخفیف بحران ازدست برود بدون اینکه یک قدم اساسی برای برآوردن انداختن تاسیسات عظیم نفت و پیداکردن خریداران جدید برداشته شود.

معدنک پس از آنکه قانون ملی کردن صنایع نفت با وجود آن نقصها به تصویب رسید باز هم منافع ملت ایران ایجاب می کرد که آن قانون با روش قاطع بوقف اجرا گذاشته شود. لازم بود بیدرنک خلغ پد انجام میگرفت، جاسوسان انگلیسی از ایران خارج میشدند، اعلان فروش منتشر میشد، قرارداد فروش نفت با هر مشتری که بسا احترام حق حاکمیت و استقلال ماحاضر بخرید نفت بود منعقد میگردد صنایع نفت با نیروی کارگران و کارشناسان ایرانی که طبق اظهارات رسمی دولت شاد و کلیه مقامات فنی خارجی از هم امروز قادر به تهیه حداقل ۵ میلیون تن مواد نفتی تصفیه شده و مقدار خیلی بیشتر نفت خام میباشد، بکار می افتاد.

در اینجا باید یاد آور شویم که طبق ارقام بیان قلابی شرکت سابق نفت، ارقامیکه خیلی کمتر از واقعیت است، سود خالص شرکت در سال ۱۹۵۰ در قبال استخراج و فروش ۳۲ میلیون تن نفت که ۲۵ میلیون آن تصفیه شده بود به ۴۸۰ میلیون دلار بالغ میگردد که از این مبلغ، ۲۰ میلیون دلار، یعنی فقط یک بیست و چهارم سود شرکت بابت حق السهم مالک نفت بایران پرداخت گردید. بهای نفت صادراتی در سال ۱۳۲۹ در بنادر ایران، طبق آمار گمرک برای ۳۱ میلیون تن نفت بالغ بر ۲۲۰۰ میلیون تومان میشده است. از این آمار برمی آید که بهای هر میلیون تن نفت در بنادر ایران تقریباً ۷۰ میلیون تومان است باین ترتیب اگر در ابتدای کار صنایع نفت ما فقط ۴ میلیون تن نفت استخراج و تصفیه کند که یک میلیون تن آن در داخله بمصرف رسانیده شود و فقط برای ۳ میلیون تن نفت تصفیه شده مشتری داشته باشد خواهیم توانست از فروش ۳ میلیون تن نفت در بنادر ایران (از قرار هر میلیون تن ۷۰ میلیون تومان) ۲۱۰ میلیون تومان و از فروش یک میلیون تن مصرف داخلی خرج درخته، ۵۰ میلیون تومان که مجموعاً ۲۶۰ میلیون تومان میشود بدست آورد. با این مبلغ دولت میتواند تمام مخارج صنایع نفت را بپردازد و معادل حق السهم سابق سود بدست آورد. باین ترتیب تملک ۹ ماهه در عقد قرار داد با کشورهای که حاضر بخرید نفت ایرانند ضرر غیر قابل جبرانی برای اقتصادات ما بوده است.

مطابق اعترافات مکرر دولت از همان روزهای اول مشتریان متعددی برای خرید نفت ایران ببیان خیلی بیشتر از این پیشنهاد خرید داده اند. این حساب دقیق نشان میدهد که برای بکار انداختن صنایع نفت بکمک مالی و فنی امپریالیستها هیچگونه احتیاجی نبوده و نیست

### آقای دکتر مصدق نخست وزیر

کمیته مرکزی حزب توده ایران؛ با توجه ببحران اقتصادی و پولی که در کشور بوجود آمده و در حال رشد است و نظر با اهمیت حیاتی رفع این بحران برای ملت ایران و نظر بارتباط محکمی که این مسئله مستقیماً با سرنوشت ملی کردن صنایع نفت و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما و ریشه کن کردن نفوذ استعماری از ایران دارد، ضمن ذکر علل و پیدایش این بحران، پیشنهادات صریح خود را در مقابل دولت شما قرار میدهد.

### ۱- بحران کنونی و علل پیدایش آن:

کشور ما بحران شدیدی را از لحاظ اقتصادی میگذراند، خزانه دولت خالی شده و دولت حتی از عهده پرداخت حقوق کارمندان در سر موعد بر نیاید.

وصول مالیات ببیان قابل توجهی تقلیل یافته است و خروج ارز از کشور، هر روز بیشتر اقتصادیات ما را تهدید میکند. عملیات تولیدی از طرف دولت انجام نمیگردد. اغلب کارخانه های کشور در اثر سیل کالاهای امریکائی و انگلیسی، بحال رکود افتاده و بیکاری روز افزونی سراسر کشور را فرا گرفته است. امپریالیستها و عوامل آنها در ایران، باتمام قوا در تشدید این بحران کوشش میکنند.

هدف امپریالیسم انگلیس از تشدید بحران این است که در اثر گسیخته شدن تسمه های اقتصاد کشور، ملت ایران بزانودر آید و وادار به تسلیم و سازش گردد.

مزدوران انگلیس با تبلیغات خود میخواهند اینطور وانمود کنند که بحران کنونی در نتیجه ملی شدن نفت بوجود آمده و ملت ایران برای رهایی از این بحران باید دوباره طوق بندگی غارتگران انگلیس را بگردن اندازد.

مزدوران امریکا هم این طور وانمود میکنند که بحران کنونی نتیجه ملی شدن صنایع نفت است ولی نتیجه گیری آنها با نتیجه گیری عوامل انگلیسی از این مطلب تفاوت دارد. این دسته در عین اینکه با تمام قوا در تشدید بحران کنونی میکوشند، اینطور وانمود میکنند که ملت ایران به تنهایی نمیتواند نفت خود را اداره نماید و در بازار جهان با امپریالیست ها رقابت کند و مشکلاتی را که انگلیس هاد در راه اداره نفت ایران بوجود می آورد مرتفع سازد و نتیجه میگيرند که ملت ایران برای رهایی از بحران باید خود را زیر قیمومیت امریکا قرارداد.

هدف امپریالیسم امریکا و عوامل آن در ایران اینست که روح مبارزه جوانان ملت ایران را تضعیف کند و اعتماد او را به پیروزی دست گرداند و با مایوس کردن ملت، زمینه را برای تسخیر صنایع نفت ایران و تحویل قرضه امپریالیستی و استقرار نفوذ استعماری امریکا در ایران آماده سازد. این دودسته، بحران کنونی را اولاً خیلی بزرگتر از آنچه هست جلوه میدهند، ثانیاً باتمام قوا در تشدید آن میکوشند.

آزادبخواهان ایران، علی رغم این توطئه ها و تبلیغات دروغین معتقدند که اولاً بحران کنونی بهیچوجه نتیجه اصل ملی شدن نفت نیست بلکه برعکس، ملی کردن واقعی نفت بر طبق تأیلات و منافع ملت ایران عامل مهمی برای رفع بحران کنونی میباشد ثانیاً عامل اصلی بحران فعلی، سیاست عمومی هیئت حاکمه ایران است که نیکخواهند به تبعیت کور کورانه از امپریالیستها خاتمه دهد و منافع ملت ما را در همه مسائل سیاسی و اقتصادی زیر پای میگذارد.

آزادبخواهان ایران ملت اصلی بحران کنونی را در سیاست غلط دولت در مورد مسئله نفت، در تجارت خارجی و سیاست داخلی و خارجی میدانند. ما زیلا این علل را تشریح میکنیم و پیشنهادات منجز خود را در مورد چگونگی حل مشکلات کنونی بیان میداریم:

این سیاست غلط منجر بآن خواهد شد که پیروزی هائیکه بر اثر مبارزات دلیرانه ملت ایران بدست آمده است ، از دست برود . همین سیاست سازشکارانه شماست که بامبرالیست های انگلیسی جرأت داده است تا با لجاج بیشتری از تکبیه گاه های استعماری خویش دفاع کنند و ملت ما را تحت فشار قرار دهند . همین سیاست غلط است که به انگلستان اجازه داده است دوباره مزدوران خود را که از ترس ملت ایران در سوراخ رفته بودند بصحنه سیاست بکشد و بدست آنها هر روز توطئه جدیدی برای درهم شکستن مقاومت ملت ایران ترتیب دهد . این سیاست غلط دولت شما ، یکی از مهترین عوامل بحران کنونی است و بدون آنکه در آن تغییر جدی و اساسی داده شود ، رفع بحران کنونی امکان ناپذیر خواهد بود .

**ب - تجارت خارجی ایران**

آمار تجارتهی خارجی ایران نشان میدهد که چگونه هر سال میلیونها دلار طلای کشور در مقابل ورود کالاهای بیچل و لوکس کشور های امپریالیستی از کشور خارج می شود . تجارت خارجی تقریباً در انحصار استعمارگران انگلیسی و امریکائی است و در آن بهیچوجه منافع ملی ما ملحوظ نیگردد . در سال ۱۳۲۸ میزان واردات متجاوز از ۴ برابر صادرات ، یعنی رقم کل واردات ۶۳۹ میلیون تومان و رقم کل صادرات فقط ۱۷۰ میلیون تومان بوده است . در سال ۱۳۲۹ که ذخیره ارزی کشور بکلی ته کشیده بود باز هم میزان واردات بیش از دو برابر صادرات میشد باین معنی که رقم واردات ۷۱۰ میلیون تومان و رقم صادرات ۳۴۹ میلیون تومان بود .

باین ترتیب تنها در دو سال ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ ، بیش از ۷۰۰ میلیون تومان یعنی معادل ۲۰۰ میلیون دلار ( ده برابر قرضه ای که دولت در نظر دارد از امریکا بگیرد ) از کشور بخارج رفته است . یک نظر بجدول زیر نشان می دهد که این ارز بکجا انتقال یافته است .

تجارت ایران با امریکا و انگلستان در سال ۱۳۲۸ - واردات از امریکا ۲۸۵ میلیون تومان ، واردات از انگلستان و کشور های امپراطوری ۲۲۰ میلیون تومان صادرات به امریکا ۱۴ میلیون تومان صادرات به انگلستان ۵۰ میلیون تومان

خروج ارز از ایران با امریکا ۲۷۱ میلیارد ریال ، خروج ارز از ایران با انگلستان ۱۷۰ میلیون تومان در سال ۱۳۲۹

واردات از امریکا ۱۵۹ میلیون تومان واردات از انگلستان و کشورهای امپراطوری ۲۳۷ میلیون تومان ، صادرات به امریکا ۳۹ میلیون تومان ، صادرات به انگلستان ۷۲ میلیون تومان

خروج ارز از ایران با امریکا ۱۲۰ میلیون تومان ، خروج ارز با انگلستان ۱۶۵ میلیون تومان

این جدول که از سالنامه گمرک ایران استخراج شده بخوبی نشان میدهد که تقریباً تمام ۷۰۰ میلیون تومان از خارج شده از کشور بآمریکا و انگلستان انتقال یافته است .

اینست مفهوم اقتصادی نفوذ استعمار خارجی ، البته این مبلغ جزء بسیار کوچکی از تمام جیاول است زیرا طبق آمار خود شرکت سابق نفت که بهیچوجه با واقعیت تطبیق نداشته علاوه بر این مقدار ۳۱ میلیون تن مواد نفتی در هر سال از کشور صادر میشد که قیمت آن در بنادر ایران ، متجاوز از ۲۲۰۰ میلیون تومان بوده است .

از لحاظ تناسب تجارت خارجی در سال ۱۳۲۸ بیش از ۸۰ درصد از واردات ایران فقط از کشورهای امریکا و امپراطوری انگلستان بوده و در همین سال تنها ۴۰ درصد و در ۱۳۲۹ فقط ۲۷ درصد از صادرات ایران باین کشورها بوده است .

یکسقیاسه دیگر از تجارت ایران در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۲۸ ، نشان دهنده دیگری برای گرایش روز افزون تجارت خارجی مادر جهت تامین منافع امپریالیستهاست در سال ۱۳۱۵ با وجود سیاست ضدملی و ضدشوروی رضاخان تجارت ایران با اتحاد جماهیر شوروی بر اساس

ما اگر از همین ۴ میلیون تن استخراج شروع کنیم ، بتدریج ولی با سرعت خواهیم توانست بر میزان تولید محصول و فروش نفت خود بیفزاییم و باینک سیاست صحیح ملی تولید آنرا بچند برابر سابق برسانیم .

تجربه ملت های آزاد شده از یوغ امپریالیسم نشان داده است که دیگر افسانه عدم استطاعت فنی و تشکیلاتی کشورهای مستعمره و نیمه مستقل که وسیله ای برای تبلیغات استعمارگران بود ، مسخره ای بیش نیست . باین ترتیب تملک درامضای قرارداد فروش نفت با خریداران و راه انداختن صنایع نفت هیچگونه مجوزی جز انتظار سازش با امپریالیستها نمیتوانست داشته باشد . مذاکرات طولانی با نمایندگان دولت انگلیس و شرکت سابق نفت و نمایندگان سرمایه داران امریکائی و بالاخره بانک امریکائی - انگلیسی موسوم به « بین المللی » و موسسات مشابه آن تاکنون جز بضرر ملت ایران نتیجه ای نداشته است و ادامه این سیاست ، جز اینکه ضرر های بیشتری بسا وارد سازد نتیجه ای نمیتواند داشته باشد .

بانک بین المللی یک موسسه امپریالیستی است که طبق اساسنامه اولیه آن بیش از ۶۰ درصد از سهامش متعلق به امپریالیست های امریکائی و انگلیسی و بقیه سهامش متعلق بدولت های دست نشانده آنها میباشد کشور سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای ضد استعمار از شرکت در این مؤسسه امپریالیستی که آلت بی اراده ای در دست استعمارگران امریکائی است ، امتناع ورزیدند . هدف این مؤسسه مانند سایر موسسات نظیر آن از قبیل دیوان دادگستری لاهه ، جز تحمیل منافع استعمارگران بملت های ضعیف و محکوم کردن زنجیرهای اسارت آنان چیزی نیست .

**از لحاظ ماهیت ، هیچگونه اختلافی بین بانک بین المللی و شرکت غارتگر سابق نفت وجود ندارد**

بهین علت آزادخواهان ایران با سوغتن زیاد نسبت باین مذاکرات نگاه میکنند و تملک دولت در گذراندن اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و سیاست غلط اقتصادی که کشور ما را بسوی ورشکستگی سوق میدهد بخصوص سیاست دولت مصدق در توسعه روز افزون نفوذ امپریالیسم امریکا در ایران که هم اکنون جاسوسان کشور ما را بچولانگاه خود تبدیل کرده اند و ارتش و ادارات ما را اشغال نموده و نقشه های تجاوز کارانه خود را بوقوع در اجماع آورند این سوء ظن را بران تشدید میکند .

**ملت ایران این سیاست تسلیم بامپریالیست های امریکائی را محکوم می داند**

برای ملت ما امپریالیسم انگلیس و امریکا هیچگونه تفاوتی ندارد و هرگونه اقدامی که برفع یکی از این دو امپریالیسم انجام پذیرد خیانت بنافع ملی ما است .

منافع ملی ما اقتضا میکند که باتمام قوا علیه هر دو امپریالیسم استیلاگر بیابازده قطعی دست بزنیم و در عین حال که زنجیرهای اسارت چندین ده ساله استعمارگران انگلیسی را پاره میکنیم و بقایای پایگاه های آنان را درهم میریزیم با همان شدت و هوشیاری کامل امپریالیسم خونخوار و هار امریکائی را ریشه کن سازیم .

مذاکره با امپریالیست های امریکائی و اتخاذ سیاست سازش و تسلیم در مقابل آنها ایفا ، جاسوسان آنها و ادامه فعالیت موسسات گوناگون امریکائی در ایران ، عیناً مانند بقا ، شرکت سابق نفت و بانک شاهنشاهی است و هر دو با استقلال سیاسی و اقتصادی مایمانت قطعی دارد . بدون ترک قطعی سیاست تسلیم با استعمارگران امریکائی ، بدون قطع مذاکرات با بانک امریکائی - انگلیسی و نظائر آن بدون اخراج جاسوسان انگلیسی و امریکائی ، بدون تعطیل موسسات آنها مانند بانک شاهنشاهی و اداره اصل چهارم ترومن و نظائر آنها ، بدون کوتاه کردن دست مستشاران و تعطیل کنسولگریهای مداخله گرامریکا در ایران تامین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما میسر نخواهد بود

ادامه سیاست غلط دولت شما درباره مسئله نفت باین منجر خواهد شد که در اثر مشکلات روز افزون اقتصادی ، راه برای استقرار مجدد کابوس استعمار بر کشور ما باصورت جدیدی باز شود .

اجتماعی سالانه از حاصل دسترنج خلق زحمتکش میهن ما غارت میکنند تمام مخارج دستگاه دولتی نیز بردوش ناتوان همین اکثریت تحمیل میگردد سیاهه مخارج بودجه دولتی بازم بیشتر ماسک از چهره این دستگاه برمی دارد .

از مجموع ۱۱۰۰ میلیون تومان بودجه کشور بیش از چهارصد میلیون تومان به ارتش و ژاندارمری و پلیس و خرید اسلحه تخصیص داده شده و این رقم غیر از میلیون ها دلار قرضه ای است که سوداگران جنگ افروز امریکائی بنا تحمیل کرده اند و باید از چند سال دیگر با ربح سنگین آنرا بپردازیم - در قبال این قرضه تحمیلی تسوپ و تانک و مسلسل بهیشت حا که ماده شده است تا بوسیله آن باقتل عام خلق میهن مانهضت آزادیخواهی و استقلال طلبی را درهم شکنند و به قشه های شوم و اسارت آور استعمارگران جنگ افروز جامعه عمل پیوشانند .

تخصیص این رقم بزرگ از بودجه کشور و قبول قرضه امپریالیستی بشکل اسلحه و مهمات تضاد آشکار با منافع ملت ایران دارد بهیشت حا که مابه تبعیت از امپریالیست های جنگ افروز برای تبدیل ایران بیا یک گاه جنگ و تجاوز علیه اتحاد جماهیر شوروی این بودجه سنگین ارتش را بملت تحمیل میکند .

دولت شمانه تنها در این وضع تغییری بوجود نیآورد بلکه باریخت و پاش فراوان و تحمیل مخارج گزاف گوناگون تشریفاتی که مجموع آن رقم بزرگی را تشکیل میدهد، بنه مالی کشور را بیشتر تضعیف نمود. ملیونها ریال حقوق و کرایه منزل و مخارج مهمانی مستشاران ، دو میلیون ریال مخارج اقامت هریس و استوکس راهزنان امپریالیستی در ایران و ۵ میلیون ریال خرج اعلانیهای یهوده در مجلات امریکائی ، نونه هسانی از این ریخت و پاش و تبذیر است .

نظری بدو اقدام دولت شما، بخوبی نشان دهنده اینست که شما عناروش دولت های پیشین را دنبال مینمایند .

این دو اقدام عبارت است از گران کردن قیمت سیگار و لنف و تسویب نامه افزایش حق گمرکی اتومبیل سواری که خود شما تصویب نموده بودید . اقدام اول که مستقیما مالیات سنگین جدیدی را بردوش ناتوان اکثریت ملت تحمیل میکند بدون چون و چرا عملی گردید ولی برقراری حقوق گمرکی بر اتومبیل های سواری از آنجا که با منافع سرمایه داران امریکائی برخورد پیدا میکند ، تنها با اعتراض و قیحانه سفیر کبیر آمریکا در تهران، باشتاب فضیحت آمیزی فوراً پس گرفته و لغو شد .

#### ۴- راههای رفع بحران کنونی :

در قست قبل توضیح دادیم که اگر دولت شاروش سازشکارانه ندهات و باتکیه بانبروهای ملت ، مسائل مربوط بفت و تجارت خارجی راحل میکرد ، نه تنها کبود ارز کسر بودجه پیدا نمیکرد ، بلکه با وجوه حاصله از فروش نفت ، با تنظیم نقشه تجارتنی صحیح میتوانست اقتصاد کشور را بیزان زیاد توسعه و تکامل بخشد .

با کمال تاسف فرصت بسیار مناسبی از دست رفت و اکنون دولت شایبا مضیقه مالی وارزی روبرو است ولی بنظر ما ، این مضیقه بولی و ارزی ، با صرفه جوئی بودجه کنونی و حذف مخارج زاید ، با آسانی قابل جبران است .

اعداد زیر نشان دهنده واقعی مشکلات حاصله از قطع موقت عایدات نفت و مخارج نگاهداری تاسیسات آن است .

از یکطرف دولت ایران در سال ۱۳۲۸ مبلغ ۷ میلیون لیره، یعنی نود و یک میلیون تومان بعنوان حق السهم از نفت جنوب وصول کرده است که حالا وصول نمیکند .

از طرف دیگر مخارج تاسیسات نفت جنوب که فعلا بعهده دولت است بطور متوسط ۱۸۰ میلیون تومان در سال می باشد .

پس مجموع کسر بودجه از این لحاظ ۲۷۰ میلیون تومان میشود .

اما در هوش بیش از ۵۰ میلیون تومان از عایدات فروش قریب ۸۰۰ هزار تن نفت برای مصرف داخلی ( پس از وضع کلیه مخارج بخش و دستگاه اداری نفت ) بدست میآید پس از مجموع کسر بودجه باقی میماند ۲۲۰ میلیون تومان ، علیهذا حتی در صورتی که

پایابای صورت میگرفت ، ۳۶ درصد از مجموع تجارت خارجی ایران را تشکیل میداد در سال ۱۳۲۷ بکمترازیک درصد و در سال ۱۳۲۸ به دو درصد، در آنوقت بزرگترین بازار کالاهای صادراتی شوروی بود در مقابل پوست و پشم و زیره و برنج و خشکبار کالاهای ضروری و درجه اول مورد احتیاج خود را از قبیل قند و شکر و پارچه و کارخانه های بزرگ و وسائل حمل و نقل از کشور شوروی تامین مینمودیم ، در اثر گرایش هر چه بیشتر تجارت خارجی ما بسود امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی تجارت ایران با شوروی تقریبا از بین رفت بطوری که در سال ۱۳۲۹ که قرار تبادل بیشتری گذاشته شد، تازه به ۳۶ درصد یعنی یکدهم میزان ۱۳۱۵ بالغ گردید در صورتی که در مورد کشورهای استعماری امریکا و انگلیس که در مقابل طلا، کالاهای بنجل خود را با تحمیل میکنند وضع کاملا برعکس بوده است .

در سال ۱۳۱۵ تجارت ایران با امپراطوری انگلستان ۱۶ درصد و با امریکا ۱۰ درصد از مجموع تجارت خارجی را تشکیل میداد در صورتی که در ۱۳۲۸ تجارت با انگلستان به ۳۵ درصد تجارت با امریکا نیز به ۳۵ درصد از مجموع تجارت خارجی ایران بالغ گردید .

آنچه دولت های ما از کشورهای انگلستان و امریکا در مقابل پرداخت طلا وارد میکنند ، شامل دو قسم است اول محصولات بنجل و لوکس است که اصولا باید از صورت کالاهای وارداتی حذف گردد . مثلا طبق آمار گمرک در سال ۱۳۲۹ بیش از ۳۰ میلیون ریال تنهامشروبات الکلی و شکلات و شربت از انگلستان وارد ایران شده است ارزش کالاهای بنجل و لوکس و بیصمرنی که هر سال امریکا به ایران وارد میشود از ده میلیون دلار تجاوز مینماید .

امروز کشورهای زیادی در دنیا هستند که حاضرند در مقابل کالاهای صادراتی ما - بر اساس تهاتر ، احتیاجات ما را بر آورده سازند .

ولی تبعیت از مقاصد سود جویانه امپریالیستی که خط اساسی سیاست های دولتهای ما است موجب میشود که وضع کنونی ادامه یابد پیشنهادات کشورهای لهستان و مجارستان و چکوسلواکی در مورد عقد قرارداد تجارتنی بر اساس پایابای ، ماهها بتعویق انداخته شد و در راه توسعه روابط تجارتنی پایابای با اتحاد شوروی ، که پرنفع ترین و طبیعی ترین قراردادها برای تولیدکنندگان و بازرگانان ایرانی و مورد علاقه بسیار شدید آنهاست هر روز سنک تازه ای انداخته میشود .

این بود نموداری از وضع تجارت خارجی ایران که نشان دهنده تسلیم بدون قید و شرط و روز افزون هیئت حاکمه کشور به امپریالیستهای امریکا و انگلیس است همین سیاست که شما امروز ادامه دهنده آن هستید ، یکی از عوامل فقر غیر قابل تصور ملت ایران و بحران کنونی است .

#### ج - تامین بودجه کشور و تقسیم بندی آن :

نظری باز قام عایدات و مخارج بودجه کل کشور بازم بیشتر ماهیت ضدملی هیئت حاکمه ایران را نمایان می سازد .

در سال ۱۳۲۹ که بودجه سال جاری نیز بر اساس آنست رقم کلی عایدات کشور بادر نظر گرفتن حق السهم از نفت بالغ بر ۷۸۰ میلیون تومان و رقم مخارج آن بالغ بر ۱۱۰۰ میلیون تومان بوده است .

از ۷۸۰ میلیون تومان عایدات دولت ۲۵۰ میلیون تومان یعنی تقریبا یک سوم آنرا مالیات غیر مستقیم بر قند و جای و سیگار و نفت مردم تشکیل میدهد .

در مقابل این مالیات سرسام آور که مستقیما بر اکثریت مردم زحمتکش تحمیل میشود میزان کل مالیات بردر آمد فقط نود میلیون تومان یعنی ۱۱ درصد از عایدات دولت است و قسمت اعظم از این مالیات بردر آمد هم از پیشه ووران و بازرگانان کوچک و متوسط وصول می گردد و سر- مایه داران و مالکین بزرگ تقریبا از پرداخت مالیات بکلی معاف هستند صورت پدهکاران مجهول السکان که در آن نام ملکه مادر و معروفترین تجار و مالکین بزرگ ثبت شده بود و در مجله رسمی کشور منتشر گردید نشان دهنده این وضع اسف آور است .

این از قام ثابت میکنند که دولتهای ایران مدافع غارتگری فتووال ها و سرمایه داران بزرگ و علاوه بر میلیاردها تومانی که این انگل های

برای مدتی نشت ، خارج از ایران فروخته نشود ، امپریالیستها بتوانند به فشار خود ادامه دهند ، دولت ایران ، با صرفه جویی بیزان ۲۲۰ میلیون تومان در سال میتوانند بدون کمک و دخالت امپریالیستها وضع سابق خود را ادامه دهند . به بینیم که این مبلغ را چگونگی می توان تامین نمود .

تامین این مبلغ نه تنها احتیاج بقرضه خارجی و گذاشتن نفت در گرو مؤسسات مالی امپریالیستی ( که خیانت بزرگی به منافع ملی است ) ندارد ، بلکه حتی بقرضه داخلی نیز محتاج نیست .

آقای دکتر مصدق ، شما در نطق خود ، که در تاریخ ۵ شنبه ۱۴ خرداد ۱۳۲۹ در مجلس شورا بنسبت مخالفت بالا بجه ۸۰ میلیون برای استحکامات ایراد کردید ، اینطور بیان نمودید :

« در مملکتی که برای کارهای ضروری اولیه خود به عنوان کسر بودجه معطل هستند ، در مملکتی که زراعت و صنعتش باین روز سیاه افتاده ، در مملکتی که مردم آن از نعمت سلامت و فرهنگ محروم اند ،

در مملکتی که نمی تواند نان خالی برای مردم خود تهیه کند این نوع لواج را بجه منطقی به مجلس می آورد ... بنابراین درخواست اعتبار فقط برای پر کردن جیب آنهاست است که تاکنون از مال این مردم بدبخت

صاحب میلیونها شده اند . ما با تأیید صحبت شما و استناد بان ، امروز پیشنهاد میکنیم که برای تامین کسر بودجه ، از بودجه سرسام آور ارتش و پلیس و ژاندارمری و تسلیحات بقدر لازم کاسته شود . همانطوریکه

شما در نطق خودتان ، در آن زمانی که رئیس دولت نبودید می گفتید این دستگاه وسیع ارتش در حال حاضر برای ما خیلی زیاد است و در صورت بروز جنگ ، نقشی بازی نخواهد کرد ، ما با استناد بگفته

شما پیشنهاد میکنیم که مدت خدمت نظام وظیفه بیک سال تقلیل داده شود . با این عمل و با حذف بودجه سنگین تسلیحات ، تقلیل بودجه

ژاندارمری و پلیس ، از یک طرف نیروی مولده کشور بقدر قابل توجهی افزایش می یابد و از طرف دیگر ، حداقل در سال ۱۵۰ میلیون تومان صرفه جویی میشود این صرفه جویی ، با صرفه جویی که از حذف

مخارج زائد و لوکس و وزارتخانه ها و حاتم بخشی ۱۰ میلیون تومان سازمان شاهنشاهی بدست می آید ، و بالفو قانون واگذاری املاک شاه و جمع آوری عایدات آن ، که بیش از ۲۰ میلیون تومان در سال است ، تمام مضیفه مالی کنونی را میتواند رفع نماید .

مضیفه ارزی ، تنها با تقلیل واردات از کشورهای امریکا و انگلستان و تنظیم تجارت خارجی بر اساس پایابای ، توسعه تجارت با اتحاد جماهیر شوروی ، لااقل بیزان سالهای قبل از جنگ ، باسانی قابل رفع است .

علاوه بر همه اینها در صورت قطع روش کنونی و اتخاذ روش ملی از طرف دولت شادروشی که بطور قاطع علیه امپریالیستهای انگلیسی باشد و راه را برای امپریالیست های امریکائی باز نکند بلکه آنها را هم با همان چوب براند در این صورت ملت ایران برای هر گونه فداکاری دیگر نیز آمادگی دارد .

بر خورد سردی که ملت ایران با اوراق قرضه منسایب بطوری که از همان روزهای اول دولت مجبور شد در ادارات و بنگاهها قرضه را بپردم تحویل کند نتیجه روش سازشکارانه شماست این روش شما

ملت ایران را مطمئن نمیسازد و همین عدم اعتماد ملت اصلی بر خورد

سرد می باشد .

شرط اساسی برای جلب اعتماد مردم این است که دولت شما واقعا بخواهد خود را از زیر نفوذ امپریالیسم بیرون بکشد .

آقای دکتر مصدق ، ۹ ماه است که شما مسئول اداره کشور هستید در این ۹ ماه ملت ایران در عین ابراز مخالفت جدی با سیاست تسلیم و سازش شما نسبت با امپریالیستهای امریکائی از هر گونه اقدامی

که برای راندن امپریالیستهای انگلیسی بعمل آمد با تمام قوا پشتیبانی کرد ولی شما در این مدت نیروهای ملی را سرکوب نمودید و نگذاشتید نیروی عظیم ضد استعماری ملت ایران برای ریشه کن کردن تمام نفوذ

های استعماری از کشور بکار افتد . محصول کار ۹ ماهه دولت شما این است : بطوری سابقه ای جاسوسان امریکائی شریان های کشور ما را در دست گرفته اند و تعداد آن

ها فقط در عرض یکماه از ۵۰ نفر به ۱۵۰ افزایش یافته است این راهی که شما انتخاب کرده اید و در آن قدم میگذازید خطرات بزرگی

متوجه حاکمیت و استقلال مامیناید و بدون تردید مسئولیت تاریخی هر گونه ناکامی که در مبارزه کنونی ضد استعماری نصیب ملت ایران گردد در درجه اول متوجه شخص شماست .

آقای دکتر مصدق اوضاع کنونی جهان وضع بسیار مناسبی برای کشور ما بوجود آورده است با این شرایط مساعد بین المللی و با آمادگی ملت ایران برای هر گونه فداکاری میتوان هر گونه مشکلی را از میان برداشت .

دولت شما با انجام اقدامات زیر که فورترین مطالبات ملت ایران است می تواند اعتماد ملت ایران را برای خرید اوراق قرضه جلب کند و با استفاده از وجوهی که از این راه جمع آوری میشود مشکلات بولی و اقتصادی حاصله از عدم فروش نفت را بر طرف سازد .

۱- طرف کلیه مستشاران آمریکائی از ارتش و ادارات .

۲- برچیدن کلیه سازمانهای اقتصادی و جاسوسی استعمارگران انگلیسی و امریکائی یعنی بانک انگلیس ، اداره اصل چهارم ترومن و سایر موسسات نظیر آنها .

۳- قطع مذاکره با بانک امپریالیستی بین المللی و سازمانهای نظیر آن .

۴- قطع مذاکره با امپریالیستهای امریکائی در مورد گرفتن وام از آنها .

۵- اقدام فوری برای انعقاد قرارداد فروش نفت بمشتریانی که با احترام به حاکمیت ما خریدار نفت هستند

با این طریق ، حزب توده ایران در این موقع تاریخی یکبار دیگر شمارا در مقابل خواستهای فوری ملت ایران قرار میدهد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

جمعه ۲۲- دیماه ۱۳۳۰